

بررسی مفهوم و مصادیق صوت لہوی در قرآن کریم

فاطمہ مقدسی

چکیده

تعیین صحیح مفهوم صوت لہوی و تحدید موضوع و حکم شرعی آن، رابطہ قوی و محکمی با مبحث غنا دارد. در نوشتار حاضر، صوت، ملازم معاصی به عنوان موضوع حرمت شرعی در صوت لہوی، معرفی شده است. تحقق اصوات لہوی در برخی معانی مطرح، مثل الحان برآمده از آلات موسیقی، آواہای طرب انگیز و آواز ملازم با معاصی، به دلایل متعدد، در تلاوت قرآن کریم چندان متصور نیست. از سوی دیگر، به نظر می رسد صوت لہوی به مفهوم «الحان متناسب با مجالس لہوی» منحصر در تلاوت قرآن، متصف به عنوان حرمت باشد. این نوع اصوات لہوی، آسیب زاترین نوع آواہا در تلاوت حرفہ ای قرآن کریم هستند. فقہای اہل سنت، صوت لہوی را موضوع حرمت شرعی قرار نداده و تنها از عنوان غناء استفادہ کردہ اند. این مسألہ می تواند تأثیر بسزایی در نحوه تعامل قاریان شیعہ مذهب با شیوہ های معمول قاریان سنی مذهب در ایجاد سبک ها و نغمات قرآنی، داشته باشد.

کلید واژه ها

صوت لہوی، غناء، تلاوت قرآن

مقدمه

فقه‌های شیعه چندان که در تبیین حکم و موضوع شرعی غنا کوشیده اند، در تعریف مفهوم صوت لَهوی، توجه نشان نداده اند؛ حال آن که در تبیین صحیح این مفهوم و تحدید موضوع و حکم شرعی آن رابطه عمیقی با مبحث غنا دارد. در نوشتار حاضر، بر آنیم که موضوع و حکم شرعی صوت لَهوی را تبیین کرده و جایگاه این مسأله را در حجیت شرعی جنبه موسیقایی تلاوت، تشریح کنیم. شایان ذکر است که محققان، حکم شرعی موسیقی تلاوت حرفه ای را عموماً با معیار تحقق غنا در آن سنجیده اند، و از شفاف سازی مفاهیم لَهو و صوت لَهوی در این زمینه، غافل بوده اند؛ اما در ادامه این نوشتار روشن خواهد شد که مفهوم صوت لَهوی، بیش از مفهوم غنا در بررسی حکم شرعی موسیقی تلاوت حرفه ای، تاثیر گذار است.

در مقاله پیش رو، به تبیین دقیق مفهوم صوت لَهوی، به عنوان مبنایی برای بررسی این مسأله در تلاوت قرآن، توجه شده است.

موضوع شناسی و حکم شرعی صوت لَهوی

بیش تر فقهای که معتقد به حرمت نفسی غنا نبوده اند یا تنها غنای لَهوی را حرام می دانسته اند، بیش از آن که تلاش کنند همانند شیخ انصاری، حرمت مطلق لَهو را اثبات کنند حرمت صوت لَهوی را مبنای رای خود قرار داده اند. با تفحص در کلام فقها، درمی یابیم که کم تفسیری در هر دو بخش موضوع و حکم صوت لَهوی، اگر بیش از اجمال در حکم و موضوع غنا، نباشد، کمتر نیست. به علاوه، فقر روایات و منابع معرف صوت لَهوی نسبت به غنا، باعث شده بیش تر فقها بدون موضوع شناسی دقیق صوت لَهوی، از حکم آن سخن گویند؛ حال آن که در تبیین موضوع و حکم صوت لَهوی، دلیل قانع کننده ای ذکر نکرده اند. از این رو، در ابتدا موضوع صوت لَهوی را از منظر فقها بیان میکنیم.

موضوعاتی که برای خصوص صوت لَهوی و نه لَهو ذکر شده، از این قرار است:

- (۱) صوتی که از روی شغف فراوان سر داده شود (ایت الله محمدی)
- (۲) مطلق صوتی که برای دل مشغولی و التذاذ سمعی خواننده و مستمع در غیر عبادات خوانده میشود (ایت الله مرعشی)
- (۳) صوت برآمده از آلات لَهو حتی اگر لَهوی نباشد
- (۴) صوت مشتمل بر تصانیف (ایت الله کاشانی)
- (۵) صوتی که در اثر محتوا یا کیفیت ادا مصداق سرخوشی باشد
- (۶) صوتی که با آن قصد سرخوشی شود (ایت الله تویسرکانی)

۷) الحان اهل فسق و کبائر (ایت الله انصاری)

۸) الحان مختص به اهل فسق و کبائر (ایت الله مکارم)

۹) الحان متناسب با مجالس لهو و لعب (ایت الله خویی)

۱۰) اصوات ملازم با مجالس لهو و لعب (ایت الله فیض کاشانی)

۱۱) صوت مطرب (ملا اسماعیل خواجهوی)

حرام نبودن برخی از موارد مذکور، فارغ از صلاحیت آنها برای موضوع صوت لهوی مسلم است؛ مثل تعاریف یکم تا سوم؛ چرا که سر دادن مطلق صوت، به سبب شادی یا برای دل مشغولی و زمزمه، بدون لحاظ کردن کیفیت آنها حرام نیست به علاوه، حرمت استعمال آلات لهو، قطعی است، اما حرمت شنیدن صوت برآمده از آلات لهو و تولید آن بدون در نظر گرفتن کیفیت آن ثابت نیست.

در تعریف چهارم نیز اگر مراد از تصنیف، نوع خاصی باشد که مختص مجالس لهو و لعب یا اهل فسق و فجور است، به تعاریف هفتم تا نهم ملحق میشود؛ وگرنه صرف آواز خواندن با صوت خوش، حرام نیست.

در تعریف پنجم، دخالت محتوا در متف شدن صوت به لهو، صحیح نیست؛ چرا که مراد، کیفیت صوتی است؛ ضمن این که اگر منظور از سرخوشی، همان دل مشغولی و سرگرمی با خواندن و شنیدن آواز باشد، حرمت مطلق ندارد؛ ولی اگر مراد، استهزا) به خصوص در محتوای دینی (باشد، این نیز خارج از صوت لهوی است. وقتی تلهی به مفهوم مذکور حرمت مطلق نداشته باشد، حرمت نداشتن قصد سرخوشی نیز که در تعریف ششم آمده، به طریق اولی ثابت است.

در تعریف یازدهم، اگر موضوع صوت لهوی صوت مطرب باشد، نسبت آن با غنا، تساوی خواهد بود؛ و صوت لهوی نیز مثل غنا حرام است؛ و در این صورت، جدال فقط بر سر الفاظ بوده است. شیخ نیز به احتمال قوی به همین معنای تساوی کلی معتقد بوده است که آن را بررسی خواهیم کرد.

در تعریف دهم، کلام فیض کاشانی در باره موضوع شرعی غنا است نه صوت لهوی. حال اگر صوت ملازم با معصیت را موضوع صوت لهوی بدانیم میتوان گفت از آن جهت که این صوت، فارغ از کیفیت آن، مقدمه حرام و گرمی بخش مجلس گناه است، میتواند حرام باشد؛ اما این یک قانون کلی است و به همراهی صوت در انجام معصیت اختصاص ندارد و در این صورت دیگر به موضوع شناسی و تعیین حکم صوت لهوی، نیازی نداریم.

موضوع صوت لهوی، در بیان اکثر فقها در بین همان تعاریف هفتم تا نهم می گنجد.

تعاریف هفتم و هشتم، یک مفهوم دارند و منظور از الحان اهل فسق و کبائر، همان الحان مختص به آنها است که در مجالس خود با آن ها دمخور هستند؛ وگرنه آنان نیز ممکن است در خلوت و جلوت، آواز هایی بخوانند که عرف جامعه نیز بعضا برای سرگرمی و استراحت روحی، آن ها را زمزمه میکنند. تعریف صوت لهوی به

الحان متناسب با مجالس لهو و لعب نیز چنان که از کلام شیخ برداشت شده، الحانی است که با آوازهای مجالس برپاشده برای لهو و لعب، مناسبت عرفی دارد.

نکته ای که باید به آن اشاره کنیم، این است که این تعریف، غالباً با تعریف فیض کاشانی- صوت ملازم با معصیت- مساوی پنداشته می شود، اما روشن است که مراد شیخ انصاری، تنها اصواتی نیست که خواننده و مستمع در یک مجلس لهو و لعب میخوانند و می شنوند، بلکه اگر صوتی با این اصوات متناسب باشد (مثلاً رقص اور باشد (و یک فرد به تنهایی آن را بخواند و یا بشنود مصداق صوت لهوی خواهد بود.

با توجه به این که شیخ انصاری در مبحث غنا، علاوه بر تعریف صوت لهوی به الحان فسق و کبائر، آن را به الحان متناسب با مجالس لهو و لعب نیز تقسیم کرده، می توانیم مفهوم هر دو را یکی بگیریم. ضمن این که اگر مراد از مجلس لهو و لعب، مجلس گناه نباشد و تنها عده ای برای سرگرمی و آواز خواندن (ونه غنای خواندن که حرام است (دور هم جمع شده باشند، نه الحان آنان در خود مجلس و نه آواز متناسب با این الحان، حرام نیست.

پس نتیجه این شد که تنها تعریفی از صوت لهوی که می تواند موضوع حکم شرعی قرار گیرد که الزاماً حرمت نیست آوازی است که متناسب مجالس گناه باشد همان مجالس اهل فسق و یا مجالس لهو و لعب.

حال سوال این است که قائلان به این مطلب، چه استدلالی را در حرمت این نوع اصوات، داشته اند.

جالب است که شیخ انصاری، مبدع این نظریه بدون ارائه مستندی روایی، عرفی و یا عقلی، صوت لهوی را به مفهوم الحان متناسب با مجالس اهل فسق معنا کرده است؛ و پس از تعلیل حرمت غنا به لهو بودن آن، هر صوتی را که کیفیت لهوی داشته باشد حرام دانسته است

برداشتی دیگر از نظریه شیخ انصاری در مبحث غنا

با نگاهی به بیانات شیخ انصاری در مبحث غنا روشن می شود که مراد از لهوی بودن صوت، در نگاه وی، همان مطرب بودن آن صوت است. برخی مؤیدات این امر، از کلام شیخ:

- شیخ از اختلاف فقها و لغویان در مفهوم غنا سخن می گوید و به نکته ای اساسی اشاره می کند که می تواند کلید حل مشکل باشد. وی پس از تعریف طرب، مینویسد « و هذا القید هو المدخل للصوت فی افراد اللهو»، و چند سطر بعد، می نویسد « و بالجمله فمجرد مد الصوت لا مع الترجیع المطرب او و لو مع الترجیع، لا یوجب کونه لهوا»، این دو عبارت، به خوبی روشن می کند که منظور شیخ از لهو، همان طرب است. بنابراین صوت لهوی نیز همان صوت مطرب که ناگزیر ترجیع نیز خواهد داشت خواهد بود.

- در سطور های بعد، شیخ پس از تفصیلاتی در مفهوم طرب ، مینویسد: «فالمحصل من الادله المتقدمه حرمة الصوت المرجع على سبيل اللهو . «بنا بر بند چهارم، منظور شیخ از صوت حرام، همان طرب انگیزی است.
- شیخ در توجیه روایات مورد استناد موافقان جواز غنا در اعیاد ، سخنی دارد که می تواند یکی دیگر از کلید های حل مشکل باشد .وی می نویسد: روایت در تحقق معصیت ، به نفس غنا ، ظهور دارد ؛ پس مراد از غنا ، مطلق صوت مشتمل بر ترجیع مطرب است ؛ و در نتیجه ، مطرب و حرام خواهد بود ؛ و اگر به این حد نرسد ، موجب معصیت نمی شود دلالت کلام شیخ در این عبارات در حرمت صوت مطرب که با عنایت به مؤیدات قبلی ، الزاما لهوی نیز خواهد بود واضح است .

نتیجه بحث

شیخ با استدلال، لهو را مساوی طرب، مطرب را مساوی کسی که سر خوش است ، و صوت لهوی را مساوی با غنای لغوی دانسته است؛ و مؤیدات ذکر شده، با قاطعیت این امر را تأیید می کنند .در واقع، زمانی که شیخ لهو را اساس حرمت غنا ذکر می کند، در ذهن خود مفهوم طرب را برای غنا در نظر گرفته است .مثلا در تعریف لهو، بیان شده که دو تعریف شیخ، مختص خود او است و با مفهوم لغوی غنا، قرابتی ندارد، و در واقع، تعریفی که شیخ آن را قدر متیقن در حرمت می داند، به نوعی همان تعریف طرب انگیزی است .

بنابراین باید بگوییم آنچه در نگاه اول، ذهن خواننده بیانات شیخ را به خود مشغول می کند، تفصیل های وی در اثبات حرمت مطلق لهو، در ابتدای مباحث غنا است؛ در حالی که لهو به مفهوم مطلق آن مانند سرگرمی ها نمی تواند حرمت داشته باشد؛ اما اگر به مؤیدات اشاره شد، توجه شود، روشن می شود که شیخ در ذهن خود، صوت لهوی را با صوت مطرب، ملازم می دانسته است؛ و همان گونه که اشاره شد، به طور واضح طرب را مدخل صوت در عنوان لهویت دانسته است به علاوه می بینیم که شیخ در همه مباحث خود، هیچ دلیلی برای حرمت صوت لهوی به مفهوم «الحن فسق» ذکر نکرده نه از روایات و نه به دلایلی دیگر مثلا حرمت تشبه به فساق و در واقع، می توان گفت این مفهوم الحان فسق را نیز به علت لهوی بودن آن که ملازم طرب انگیزی و غنایی بودن آن است حرام می داند؛ چرا که شیخ در سرتاسر بیان خود، فقط از حرمت لهو که علت آن، طرب باشد سخن گفته است.

صوت لهوی، تنها به مفهوم صوت ملازم با معاصی، می تواند حرمت داشته باشد؛ و بیان شد که صوت لهوی به مفهوم آواز متناسب بامجالس عیش و نوش و الحان اهل فسق و معاصی نمی تواند متصف به عنوان حرمت باشد امام خمینی(ه) نیز صوت لهوی به این مفهوم را حرام نمی داند؛ هر چند اجتناب از آن

باید با این مطلب هم اشاره کنیم که به دلیل استفاده از الحان موسیقی عرب در ، تحقق عنوان لهویت (الحان مختص به مجالس لهوی (برای بیشتر افراد جامعه - که به فضای موسیقی عربی و عرف حاکم بر آن نا آشنا هستند -بعید به نظر می رسد ؛ مگر این که قاری از آواهای لهوی فارسی استفاده کند و یا مستمعان با آواهای لهوی به کار رفته در میان اعراب ، آشنایی اجمالی داشته باشند ؛ و یا این که الحان ، ماهیت رقص آور و استهزا گونه داشته باشد . البته مورد اخیر نیز کم تر در تلاوت ها مشاهده شده است .

در هر صورت ، فارغ از صدق عنوان لهویت برای مستمعان فارسی زبان که با این محدودیت ها مواجه اند ، قاری قرآن با استماع و تطبیق آواهای لهوی معمول در موسیقی جهان عرب در تلاوت ، وارد دایره غیر مجاز شرعی خواهد شد . اما در صدق عنوان طرب آوری (غنا به مفهوم لغوی آن) ، دریافت وجدانی هر شخص ، مامور اصلی تعیین صدق یا عدم صدق عنوان غنا است ؛ و در این باب ، عرف ، نقش بسیار کم رنگ تری دارد . بنابراین فضای موسیقی عربی حاکم در تلاوت ، نمی تواند تاثیر سلبی معنایی در تحقق حالت طرب داشته باشد .

اما در مداحی ، قضیه متفاوت خواهد بود ؛ چرا که بعضا مشاهده شده عین نواهای لهوی فارسی ، در برخی محتوا های مذهبی ، اعم از مدایح و مراثی و غیر آنها اجرا شد و عرف جامعه نیز تحقق صوت لهوی را تایید کرده است بنابراین خطر ورود اصوات لهوی و همچنین نواهای مطرب و غنای در مداحی ، بسیار بیشتر از تلاوت قرآن خواهد بود . اما نکته مهم اینکه برخی فقها ، صوت لهوی به مفهوم الحان اهل فسق را مطلقا حرام می دانند . بنابراین به فتوای ایشان ، اجرای صوت لهوی چه در محتواهای غیر مذهبی و چه در تلاوت و مداحی ، حرام خواهد بود ؛ و چه بسا حرمت آن در تلاوت و مداحی ، مضاعف هم باشد .

مدعای استحباب صوت لهوی

مذهبی به قصد تلهی (سرخوشی (به دلیل تقریب قلوب به سوی معارف الهی ، مستحب است ؛ و در غیر آن ها حرام خواهد بود . از این رو ، لازم یکی از فقهای شیعه به نام حسینی مرعشی در رساله خود در باب غنا ، مدعی شده که خواندن آواهای است به این مدعا به اختصار پاسخ دهیم .

وی پس از طرح تفصیلی ادله خود ، می نویسد : « خلاصه آنچه گفتیم ، این شد که غنای محرم ، دو نوع است : یکی آنچه علت تامه تحریم است ، به گونه ای که دایره مدار حرمت بوده و مانعی در تعلق عنوان حرمت به آن وجود ندارد . این نوع ، در واقع همان غنا به مفهوم مطرب است .

نوع دوم غنای محرم ، مواردی است که مقتضای تحریم در آن وجود دارد ؛ مثل صوت کشیده ای که به حد غنا نمی رسد . در این صورت ، اگر غرضی اخروی و یا دنیوی که قابل اعتنا باشد بر آن مترتب شود ، به گونه

ای که آن را از حالت لغو و باطل خارج نماید ، حلال ، و در غیر این صورت ، حرام خواهد بود . بنابراین حرمت و حلیت این صوت ، دایر مدار وجود یا عدم وجود این اغراض خواهد بود.

وی در بخش دیگری از رساله خود ادعا می کند: « هر چیزی که در آن ، فایده دینی و دنیوی که شارع از آن نهی نکرده باشد و نزد عقلا لغو و باطل شمرده نشود ، مد صوت و تحسین و ترقیق آن در آن ها مجاز بوده بلکه در برخی موارد مستحب نیز خواهد بود.»

باید گفت که در بخش اول سخن وی که صوت مطرب را غنای حرام می داند ، بحثی نیست ؛ اما این که یک صوت خاص غیر مطرب به این دلیل که در امور بی فایده و لغو استفاده می شود ، حرام باشد ، کاملاً با عرف و عقل مخالف است . در مباحث گفته شده ، روشن شد که صوت لهنوی به مفهوم آواز استفاده شده برای سرگرمی به عبارتی تلهی نمی تواند به عنوان حرمت متصف باشد ؛ خواه این صوت ، در تلاوت قرآن و یا مداحی استفاده شود و خواه در آواهای غیر مذهبی . شخصی را در نظر بگیرید که از سر بی حوصلگی ، آوازی غیر مطرب سر می دهد . در این حال ، نمی توان گفت وی کار حرامی انجام داده است ؛ مگر این که این آواز ، ملازم با معاصی و یا دارای محتوای باطل و خلاف شرع باشد . این نوع آوازی که ایشان از نوع غنای حرام دانسته ، در واقع ، یکی از تعاریف صوت لهنوی به مفهوم تلهی (به معنای سرگرمی) است که حرمت نفسی ندارد ، مگر این که با مقارنات و محتوای حرام ، همراه شود .

نتایج تحقیق

- از تعاریف متعدد صوت لهنوی ، تنها حرمت صوت لهنوی به مفهوم « صوت ملازم و ممهد مجالس گناه الود » به علت اعانت بر اثم ، ثابت می شود ؛ و ادله حرمت قطعی برای تعریف مشهور صوت لهنوی (صوت مناسب مجالس لهنو و لعب) وجود ندارد .
- شیخ انصاری ، صوت لهنوی را قائم به طرب انگیزی آن می داند ، نه این که صوت لهنوی ، آوازی باشد که صرفاً با الحان مجالس لهنو و لعب سازگار باشد ؛ بلکه مراد وی از الحان مجالس لهنو و لعب همان صوت مطرب (تعریف لغوی غنا) است و برداشت مشهور که می گوید شیخ غنای صوت لهنوی می داند صحیح نیست
- صوت لهنوی به مفهوم آواز ملازم با معصیت را نمی توان در تلاوت قرآن چندان متصور دانست چرا که ملازم بودن تلاوت قرآن با مجالس معصیت امری بعید و غیر معمول است
- اجرای صوت لهنوی به مفهوم آواز مطرب گونه به دلیل تنگناهای کلامی و تجویدی ایجاد طرب در تلاوت قرآن بسیار مشکل خواهد بود

- فقها بهره گیری از آلات موسیقی در تلاوت را نیز به طور مطلق تحریم کرده است در صورتی که این حساسیت در سایر محتوای دینی دیگر وجود نداشته است بنابراین از این نظر تحقق غنای طرب انگیز و یا اصوات لهوی (به مفهوم صوت متناسب با مجالس لهو و لعب) در تلاوت ، منتفی است.
- صوت لهوی به مفهوم صوت متناسب با الحان اهل فسق نه به طور مطلق بلکه صرفاً در تلاوت قرآن کریم ، به عنوان حرمت متصف خواهد بود.
- اگر صوت لهوی در اثر اجرا در آیات قرآنی ماهیت لهوی خود را از دست دهد ، کسی که آواز لهوی را در عبارات قرآنی اجرا می کند خود مرتکب معصیت می شود یکی به دلیل شنیدن این آواهای لهوی حتی اگر پس از تطبیق بر تلاوت ، دیگر عنوان صوت لهوی نداشته باشد و دیگری به دلیل قصد تلهی به آیات قرآن کریم که این تلهی ممکن است به قصد سرگرم شدن با نوای لهوی در آیات قرآن باشد و یا موجبات وهن و استهزای قرآن کریم را فراهم آورد ؛ در صورت دوم عنوان حرمت می تواند به آن ها تعلق گیرد.
- این که یک صوت خاص غیر مطرب به دلیل این که در امور بی فایده و لغو استفاده میشود حرام باشد، کاملاً با عرف و عقل ، مخالف است. به عبارتی صوت لهوی به مفهوم آواز استفاده شده برای سرگرمی نمی تواند به عنوان حرمت متصف باشد. خواه این صوت در تلاوت قرآن یا مداحی استفاده شود و خواه آواهای غیر مذهبی.
- پس از بررسی های گسترده در این نوشتار حاضر، می توان گفت که موضوع حرمت صوت لهوی دو عنوان است یک صوت ملازم با معاصی دو صوت مطرب.
- مداحان و قاریان موظفند در خواندن خود از صوت لهوی بنا بر تعریفی که در میان مراجع مشهور است بپرهیزند چرا که هر یک از مخاطبان آنها مقلد یکی از مراجع هستند و از قاری یا مداح انتظار دارند که آوایی را به آنها عرضه کند که با حکم شرعی مرجع تقلیدشان مطابق باشد.

منابع و ماخذ:

قرآن کریم

۱. امام خمینی (ره)، سید روح الله موسوی (۱۳۸۱ش)، المکاسب المحرمه، دفتر نشر آثار امام خمینی (ره)، قم.
۲. انصاری، مرتضی (۱۳۹۲ش)، المکاسب، ترجمه محی الدین فاضل هرنندی، بوستان کتاب، چاپ امام هفتم، قم.
۳. تویسرکانی، میرزا عبدالغفار (۱۳۷۶ش)، رساله فی الغناء، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء و موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری، محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر (عج)، نشر مرصاد، قم، چاپ اول.
۴. حسینی مرعشی، سید محمد (۱۳۷۶ش)، خیر الکلام فی الغناء الحرام، براساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری، محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر (عج)، نشر مرصاد، قم، چاپ اول.
۵. خواجهوی، ملا اسماعیل (۱۳۷۶ش)، رساله فی الغنا، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء و موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری، محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر (عج)، نشر مرصاد، قم، چاپ اول.
۶. خویی، ابوالقاسم (بی تا) مصباح الفقاهه، موسسه احیاء آثار الامام الخویی، قم.
۷. جزیری، عبدالرحمن (بی تا)، الفقه علی المذهب الاربعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۸. زحیلی، وهبه (بی تا)، الفقه الاسلامی و ادلته، دارالفکر، بیروت.
۹. شریف کاشانی، مولی حبیب الله (۱۳۷۶ش)، ذریعه الاستغناء، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء و موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری، محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر (عج)، نشر مرصاد، قم، چاپ اول.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۵ق)، مجمع البیان، المکتبه الاسلامیه، طهران، الطبعة الخامسة.
۱۱. فیض کاشانی، مولی محسن (۱۴۰۱ق)، مفاتیح الشرایع، مجمع الذخایر الاسلامیه، قم، الطبعة الاولى.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ش)، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، کتاب فروشی علمیه اسلامیة، تهران، چاپ اول.
۱۳. مجلسی اول، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، موسسه فرهنگی کوشانپور، قم.

۱۴. مجلسی دوم ، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق) ، مرآه العقول فی شرح اخبار ال الرسول ، دار الکتب الاسلامیه ، تهران.

۱۵. محمدی ، علی (۱۳۷۵ش) ، شرح امکاسب جلد دوم انتشارات دارالفکر ، قم ، چاپ اول .

۱۶. مکارم شیرازی ، ناصر (۱۳۸۰ش) ، بحوث فقیهیه هامه ، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع) ، قم .

۱۷. نجفی اصفهانی ، محمد رضا (۱۳۷۶ش) ، الروضه الغناء ، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء ،

موسیقی (دو جلدی) رضا مختاری ، محسن صادقی ، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر (عج) ، نشر

مرصاد ، قم ، چاپ اول .

۱۸. نوری همدانی ، حسین (۱۳۸۹ش) ، احکام جوانان ، انتشارات قدس ، قم .